

نزول دفعی و تدریجی قرآن از دیدگاه مفسرین فریقین

مصطفی نیلی^۱

محسن خوشفر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

چکیده

نزول قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی و تاریخ قرآن می باشد که سالیانی است مورد اهتمام اندیشمندان قرار گرفته است ولی آیاتی وجود دارد که به نظر می رسد در نگاه اول با هم ناسازگار هستند و منافات حل نشدنی دارند. یک بخشی از این آیات، درباره کیفیت نزول قرآن است که برخی دال بر نزول دفعی و یکباره آیات و برخی دیگر دال بر نزول تدریجی هستند؛ تردیدی نیست که قرآن در طول بیست یا بیست و سه سال بر پیامبر ﷺ نازل شده است، حال سؤال این است که دیدگاه فریقین درباره نزول دفعی و تدریجی چیست؟ چه راه حلی برای جمع این دو دسته آیات، ارائه کرده اند؟ تحقیق پیش رو با روش تطبیقی - تحلیلی و انتقادی و با بیان نظرات مفسرین شیعه و اهل سنت این اختلاف و منافات ظاهری آیات را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پیش رو نشان می دهد که درباره این مسئله چند نظریه کلی وجود دارد؛ بعضی از مفسرین معتقدند که آیات نزول دفعی مانند آیه اول سوره قدر اشاره به آغاز نزول قرآن دارد و بعضی دیگر از مفسرین قائلند که منظور از آیات نزول دفعی این است که قرآن به صورت یکجا در بیت المعمور یا بیت العزة نازل شده است. وجه جمع بین آیات این است که قرآن حقیقی فرا لفظی دارد که جزء، آیه و سوره ندارد و برای مردم قابل فهم نیست و این حقیقت غیر لفظی به صورت اجمالی بر قلب پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است که همان حقیقت است که در ماه رمضان و در شب قدر نازل شده است.

واژگان کلیدی: نزول قرآن، دفعی، تدریجی، فریقین

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته سطح ۳ تفسیر و علوم قرآن، موسسه آموزش عالی ائمه اطهار (عج)، nilnmostafa44@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، mohsenkhoshfar@yahoo.com

مقدمه

از محورهای اساسی در تاریخ قرآن بحث نزول و چگونگی آن است. علت اهمیت این موضوع آن است که بحث نزول در تاریخ قرآن اصلی‌ترین رکن به شمار می‌رود چون باعث تشکیل قرآن و هویت قرآن است. به وسیله نزول قرآن، ظاهر آیات قرآن می‌تواند با آن تغییر کند و باعث فهم بیشتر به این کتاب شود؛ از طرفی مسائلی همچون ابتدای نزول قرآن و ابتدای شکل‌گیری سوره و ترتیب آن به این موضوع وابسته است؛ اما مسئله بسیار مهم‌تر از اصل نزول، چگونگی آن است؛ چون باعث اختلاف دانشمندان و عالمان مفسر شده است و منشاء اختلاف این است که اصل یقینی این است که قرآن بر حسب اتفاقات گوناگون طی بیست یا بیست و سه سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است و آیاتی به این مطلب اشاره دارد (فرقان: ۳۲) اما علاوه بر آن آیاتی در قرآن وجود دارد که کیفیت نزول را دفعی و به صورت یک‌باره بیان می‌کند (قدر: ۱). این آیات در ظاهر با آیات نزول تدریجی و ادله آن منافات و در نگاه اول سؤالی در این باره ایجاد می‌کند، چرا قرآن دو بار نازل شده و هدف این کار چه بوده است؟ نزول دفعی و تدریجی باعث طرح دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه شده است. به‌خاطر همین آراء اختلافی و فقدان کتاب مستقل در این زمینه، ضروری است در این مورد تحقیق و بحث شود و با روش تطبیقی - تحلیلی - انتقادی، اهم دیدگاه مشهور بین فریقین، ادله آن‌ها و وجه اشتراک و یا تفاوت‌ها را بیان کنیم تا منافات ظاهری و تعارض بین آیات و دیدگاه‌ها جمع شود و به دیدگاه صواب و ارجح پیرامون کیفیت نزول قرآن برسیم.

پیشینه

همان‌طور که گفته شد، کمتر کتاب یا مقاله‌ای با محوریت نزول تدریجی و دفعی با روش تطبیقی مورد بحث قرار گرفته است و معمولاً این بحث در کتب تفسیری به‌طور خلاصه بیان شده است. در این باره مقالات یا پژوهش‌هایی نوشته شده که به آن اشاره می‌شود، مانند:

۱. مقاله «تأملی بر نظریه نزول دفعی قرآن با تکیه بر دیدگاه قرآن‌پژوهان فریقین» (فیض‌الله اف، خیرالله، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۱۳۸۸، شماره ۱۶، ص ۴۷ - ۶۲)؛ این نوشتار بر آن است که نظریه نزول دفعی قرآن را ارزیابی کند و به‌وسیله دو تفسیر مشهور،

این نظریه را مورد نقد و بررسی قرار دهد. این موضوع نزدیک به موضوع تحقیق است، اما هدف آن این است، نزول دفعی را رد و نزول تدریجی را اثبات کند؛ اما در این تحقیق سعی شده به حل شبهه ناسازگاری آیات نزول دفعی و تدریجی بپردازد.

۲. مقاله «استدلال روایی شیخ صدوق بر نزول دفعی قرآن کریم و نقد ادله مخالفان» (کریمی، محمود و دیمه کارگراب، محسن، علوم حدیث، ۱۳۹۰، شماره ۶۲، ص ۲۲-۴۳)؛ این مقاله در صدد آن است که به پیوندهای شیخ صدوق بین قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام بپردازد که یکی از این پیوندها، دیدگاه وی درباره نزول دفعی قرآن مبتنی بر روایتی از امام صادق علیه السلام در مقابل مخالفانی از شیعه مثل سید مرتضی است.

تفاوت تحقیق پیش رو با مقالات فوق این است که تمرکز دو تحقیق بر نزول دفعی و دیدگاه‌های آن است، اما در این تحقیق سعی بر این است که علاوه بر نزول دفعی، به وجه تدریجی آن هم پرداخته شود و با توجه به دیدگاه‌های فریقین راه حلی برای جمع بین آیات در دو نزول مطرح شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. نزول

نزول از ماده «ن.زل» است که در لغت به معنای پایین آمدن چیزی است که از بالا آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۴). انزال و تنزیل در باب ثلاثی مزید به معنی فرود آوردن است. آیات ذیل هم به همین معنا آمده است «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۲۱) «هر چه هست خزائن آن نزد ماست و ما جز به اندازه‌ای معین آن را فرو نمی‌فرستیم.» معانی دیگری که برای نزول گفته شده است، حلول و جای گرفتن و یا وارد شدن است (سعیدی روشن، ۱۳۷۹ش: ۱۳۴) اما مشهور لغویین و مفسرین معنای اول را اختیار کردند.

در تعریف اصطلاحی نزول نمی‌توان همان معنای لغوی را به صورت حقیقی ذکر کرد چون معنای لغوی که ذکر شد (پایین آمدن از بالا) نشان‌دهنده جاگرفتن قرآن از مکان بالا و پایین آمدن آن است که جسمیت قرآن در زمان نزول را می‌رساند درحالی که قرآن

هنگام نزول به صورت کتاب نبوده است، پس در نتیجه باید معنای مجازی آن را پی بگیریم (حبیبی کاکاوندی، ۱۳۹۵ش: ۱۶) که به فرود آمدن وحی از مصدر وحی از سوی خداوند متعال به مهبط وحی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است (حریری، ۱۳۸۴ش: ۳۶۷).

۲-۱. فریقین

فریقین تنه فریق است و فریق و فرق در لغت به معنای گروه و یا طائفه از هر چیزی است (ابن منظور، ۱۳۷۵ق: ۳۰۰/۱۰) و بعضی فقط بر گروهی از مردم فریق را اطلاق کردند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۳۹۵/۵) اما در اصطلاح متداول و مشهور فریقین به دو گروه شیعه و اهل سنت گفته می شود.

۳-۱. دفعی

دفعی از ماده «د ف ع» که با دفعه که مصدر میمی به حساب می آید به یک معنا است. این کلمه در لغت به معنای به یک باره و یا دفعه اول به کار می رود (مهنّا، ۱۴۱۳ق: ۴۱۰/۱). در اصطلاح هم به یک باره نازل شدن مجموع قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گویند.

۴-۱. تدریجی

تدریج از ماده «د ر ج» از باب تفعیل است. این کلمه در لغت به معناهای مختلفی آمده، مانند چیزی بر چیزی، دوم بعد از اول، کم روی کم رفتن و آنچه زیاد می شود با یک نظمی و یا نقل چیزی از درجه ای به درجه دیگر (معلوف، ۲۰۰۰م: ۴۵۴) در اصطلاح به نزولی گفته می شود که قرآن به تدریج و طی بیست یا بیست و سه سال در زمان نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمده و نازل شده است.

۵-۱. بیت المعمور

بیت المعمور، خانه ای از آسمان چهارم است که همان حرمت کعبه را داراست و فرشتگان در آنجا مشغول عبادت و طواف هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۶۷/۴).

۶-۱. بیت العزه

بیت العزه، مکانی در آسمان دنیا که قرآن در شب قدر از لوح محفوظ به آن تنزل یافته است، اطلاق می شود (اقبال، ۱۳۸۴ش: ۱۳۰۷/۱).

۲. تبیین نزول دفعی قرآن کریم

بخشی از آیات قرآن این معنا را می‌رساند که قرآن کریم به صورت دفعی نازل شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (بقره: ۱۸۵) [این است] ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسرش هدایت‌گر مردم است و دارای دلایلی روشن و آشکار از هدایت می‌باشد، و مایه جدایی [حق از باطل] است. و در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر: ۱) ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (دخان: ۳) به راستی ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم.

این آیات در مقام این هستند که قرآن یک‌بار از لوح محفوظ به صورت یک‌جا در شب واحد که آن شب مبارک است و در ماه مبارک رمضان نازل شده است و این امر را خداوند صراحتاً بیان می‌کند؛ خداوند ابتدا می‌فرماید قرآن در ماهی به نام رمضان یک‌جا نازل شده است، در آیه بعد می‌فرماید قرآن در شبی خاص در این ماه به نام شب قدر نازل شده است و در سوره دخان هم خداوند می‌فرماید به سبب نزول قرآن این شب پر از خیر و مبارک است (علاف، ۱۴۲۰ق: ۸۱/۱).

۳. تبیین نزول تدریجی قرآن کریم

بخشی از آیات قرآن کریم بر این نکته دلالت دارد که قرآن به صورت تدریجی نازل شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا» (اسرا: ۱۰۶) و قرآن را [جدا جدا و] بخش بخش قرار دادیم تا آن را با درنگ و تأمل بر مردم بخوانی و آن را به تدریج [برپایه حوادث، پیش آمدها و نیازها] نازل کردیم. در جای دیگر می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِيُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (فرقان: ۳۲) و کافران گفتند: چرا قرآن یک‌باره بر او نازل نشد؟ این گونه [قرآن را به تدریج نازل می‌کنیم] تا قلب تو را به آن استوار سازیم، و آن را بر تو با مهلت و آرامی خواندیم.

آیه اول دلالت بر اینکه آیات قرآن چون با حوادث مختلف ارتباط دارد و برای رفع نیاز همه‌ی طبقات در طول تاریخ است، بخش بخش نازل شده تا با رویدادهای گوناگون، همخوانی داشته و برای پذیرش منتظران آسان‌تر باشد (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۹/۵). در آیه دوم

نیز به دنبال بهانه‌جویی افراد سطحی‌نگر، مبتنی بر اینکه چرا این کتاب بزرگ آسمانی که پایه و مایه همه چیز مسلمانان و محور همه قوانین سیاسی و اجتماعی و حقوقی و عبادی آنان است، یک‌جا به صورت کامل بر پیامبر اسلام ﷺ نازل نشد، تا مردم پیوسته آن را از آغاز تا انجام بخوانند و از محتوایش آگاه شوند؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۷۹/۱۵) خداوند در پاسخ این مطلب می‌فرماید که ما برای استواری قلب پیامبر به صورت یک‌جا نازل نکردیم، این آیات ظهور در نزول تدریجی قرآن دارد.

همان‌طور که گفته شد اصل یقینی و مسلمی بین مسلمانان است، آن که قرآن کریم به مدت بیست و بیست و سه سال به صورت تدریجی و به حسب مناسبات و حوادث گوناگون بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است؛ اما سؤال این است که چرا قرآن مانند الواح حضرت موسی و زبور حضرت داوود علیهما السلام به یک‌باره نازل شده است؟ برخی آیات و روایات حکمت‌هایی را برای این نزول بیان کردند که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) تقویت و تثبیت قلب پیامبر ﷺ

قبل از هر فرضی پیامبر اکرم ﷺ بشری میان قوم خودش بود، اما با این تفاوت که رسالت سنگین هدایت بر روی دوشش قرار گرفته بود و تحول جامعه صدر اسلام وابسته به آن بود. از طرفی کسانی که به حقیقت رسالت پیامبر اکرم ﷺ و اسلام اعتقاد داشتند، چندی بیش نبودند و اکثر قوم او، آن حضرت را آزار و اذیت می‌کردند که مبادا از منفعت‌های خویش محروم شوند، از این رو امدادهای الهی در طول عمر حضرت، تسلی خاطر ایشان بود. پس خداوند با نزول آیات و وحی باعث آرامش خاطر و امداد حضرت می‌شد تا پیامبر اکرم ﷺ هم با وجود چنین خدایی بتواند به خوبی از پس رسالتش بریاید همان‌طور که آیه «قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» (فرقان: ۳۲؛ رادمنش، ۱۳۷۴ ش: ۹۲) بر این مطلب دلالت دارد.

ب) تسهیل در حفظ قرآن در سینه‌ها

برای پیامبری که امی بوده و استادی نداشت، بهترین راه برای انتقال قرآن نازل شده این است که به مرور بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شود و حضرت هم به مرور به مردم نشر دهد. این

راه برای حفظ آیات در ذهن و حافظه مردم و انتقال آن نسل به نسل آسان تر است و هم باعث تثبیت آیات در قلب حضرت می شد؛ چون اگر همه قرآن به یک باره نازل می شد حفظ آن و تعلیم این مجموعه با این تعداد آیات بسیار مشقت بار برای حضرت و حفاظ بود؛ و به همین دلیل با این کار، خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر پیامبران دیگر افضلیت بخشید (قطان، ۱۴۲۱ق: ۱۱۰).

ج) تسهیل در ترتیل پیامبر و نوشتن قرآن توسط مردم

خداوند به پیامبرش دستور ترتیل داده تا به مردم بیاموزد، در نتیجه قرآن در دلها ثابت و استوار بماند، اما اگر نزول دفعی بود امکان آموختن برای پیامبر به همین راحتی وجود نداشت. سبب دیگری که می توان اشاره کرد این است که مردم در صدر اسلام سواد چندانی نداشتند، مگر تعدادی از آنها از نوشتن شناخت داشتند، با این وجود اگر قرآن یک جا نازل می شد امکان یادداشت برای آنها نبود، چون نوشتن این تعداد از آیات و سوره برای آنها مشکل بود و همین طور احتمال اشتباه و کم و زیاد کردن در نوشتن هم مضاعف می شد (ابوزهره، ۱۳۷۹ش: ۳۹).

د) سؤالات و اتفاقات

یکی از اسبابی که موجب نزول تدریجی می شد، سؤالات و درخواست های مردم از آن حضرت بود که در زمان های مختلف اتفاق می افتاد. طبیعتاً آن اتفاقات در یک زمان نبوده و به تدریج و در مناسبت های مختلف پیش می آمده است.

۴. دیدگاه نزول دفعی قرآن کریم در ماه رمضان

برخی دانشمندان بر این باورند که قرآن کریم به صورت دفعی در ماه مبارک رمضان نازل شده است، اما دیدگاه دانشمندان در تفسیر نزول دفعی مختلف است:

۴-۱. نزول قرآن به بیت العزه و یا بیت المعمور

برخی از دانشمندان معتقدند که قرآن به بیت العزه در آسمان دنیا و یا به بیت المعمور در آسمان چهارم، به صورت یک باره نازل شده، سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حسب مناسبات و

اتفاقات مربوطه رسیده است. منشأ اصلی این قول روایاتی از معصومین است که در کتب روایی نقل شده است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چگونه قرآن در ماه مبارک رمضان نازل شده است؟ (بقره: ۱۸۵) و قطعاً می‌دانیم که در طول بیست سال تدریجاً نازل شده است. امام در پاسخ فرمودند: قرآن دفعته در ماه مبارک رمضان به بیت المعمور نازل، سپس از بیت المعمور به سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول بیست سال نازل شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۶۶/۱).

بنابر نقل عیاشی از امام صادق علیه السلام درباره نزول قرآن در ماه مبارک رمضان در آیه (بقره: ۱۸۵) سؤال شد، اما از طرفی تمام قرآن در طول بیست سال تدریجاً نازل شده است؟ امام فرمودند: قرآن دفعته و به طور کامل در ماه مبارک رمضان به بیت المعمور سپس از بیت المعمور در طول بیست سال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۸۰/۱). بنابر نقل از ابن عباس: قرآن در بیست و چهارم ماه مبارک رمضان نازل و در بیت العزه قرار داده شد (طبری، ۱۴۱۲: ۸۴/۲).

بنابر نقل از حاکم و بیهقی و نسائی از عکرمه از ابن عباس: قرآن در یک شب (شب قدر) به آسمان دنیا فرود آمد، سپس به مدت بیست سال به تدریج نازل گشت. پس از این ابن عباس این دو آیه را خواند: «وَلَا يَأْتِيَنَّكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا» (فرقان: ۳۳) و «وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء: ۱۰۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۵۶/۱).

از مجموع احادیثی که از منابع شیعه و اهل سنت نقل شد، قرآن یک جا و به صورت دفعی در شب قدر به آسمان نازل شده است. احادیثی به همین مضمون در کتب جوامع حدیثی مانند کافی به نقل از حفص بن غیاث (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۶۱/۴) و کتاب امالی صدوق نقل شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۶: ۶۲).

براساس این روایات از منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است که بعضی مانند شیخ صدوق علیه السلام معتقد به نزول دفعی قرآن به بیت المعمور، و از آنجا به مدت بیست سال نزول به پیامبر شدند (انصاری قمی، ۱۳۹۹: ۱۵۰). و بعضی این را صحیح ترین و مشهورترین قول می‌دانند و روایات در این باره را حکم صحت دادند (سیوطی، ۱۴۱۲: ۱۵۶/۱؛ زرکشی،

۱۴۱۰ ق: ۲۲۸/۱). از این رو تعدادی از علماء مانند علامه مجلسی از دیدگاه شیخ صدوق پشتیبانی کرده و چنین می‌نویسند: مقصود از شیخ صدوق این بوده که بین آیات نزول دفعی و روایات دال بر نزول تدریجی در طول بیست یا بیست و سه سال و دال بر ابتدای نزول در مبعث که تنافی داشتند را جمع کند و به این نتیجه برسد که قرآن یک‌جا از لوح محفوظ به بیت المعمور نازل گردیده تا از آنجا به تدریج بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۵۱/۱۸).

۲-۴. نزول قرآن بر قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله

بنابر برخی روایات منظور از بیت المعمور، همان قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است، لذا برخی علماء این قول را اختیار کردند که مراد، نزول معنای قرآن بر قلب آن حضرت است، چنانکه خداوند متعال در قرآن فرمود: «تَزَلُّ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ...» (شعراء: ۱۹۳ و ۱۹۴) و بعد در مدت بیست سال به صورت تدریجی نازل شده است (معرفت، ۱۴۰۰ ش: ۸۹۹/۱). البته برخی این معنا را در تأویل این آیات و روایات برگزیده و گفته‌اند «ممکن است بگوییم روح قرآن که همان اهداف کلی آن است در آن شب بر قلب شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تجلی کرده است» (زنجانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۸).

۳-۴. نزول حقیقت قرآن بر قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله

برخی نیز در تفسیر نزول دفعی می‌گویند: قرآن حقیقت واحد و باطنی دارد که فهم مردم از آن دور است که این حقیقت، ظاهر لفظی مانند آیات و یا سوره‌ها را ندارد، این حقیقت در ماه رمضان یک‌جا و به طور اجمالی بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. بیشتر قائلان این معنا از علماء معاصر و متأخر هستند که شاخص‌ترین آن‌ها علامه طباطبایی است. ایشان در زمینه می‌فرماید: «آیاتی که دال بر نزول دفعی هستند از آن‌ها تعبیر به انزال آمده و انزال به معنای نزول یکپارچه قرآن است و هیچ کدام از آن‌ها از ماده تنزیل استفاده نشده است. این نزول یکپارچه به دو اعتبار می‌تواند باشد: ۱- مجموع و روی هم رفته قرآن یا بعضی از آن یکپارچه نازل شده؛ هر چند آیاتش به تدریج نازل شده است. ۲- قرآن وجودی ماوراء آنچه فهم مردم به آن دسترسی داشته باشند، دارد که این حقیقتی واحد و بدون جزء و فصل

است. ایشان برای ادعای خود شواهدی بیان می‌کند و می‌فرماید: این معنا از آیاتی از قرآن قابل استفاده است. مانند: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود: ۱) کلمه «أُحْكِمَتْ» از احکام است و احکام با توجه به آیه، مقابل فصل است و فصل به معنای کتاب را قطعه قطعه کردن است پس در نتیجه احکام به معنای این طوری باشد که جزئی یا فصلی نداشته باشد و همه آن به یک معنا برگردد، پس در نتیجه، معنای آیه این است که تفصیلی که در قرآن ایجاد شده، تفصیلی است که بعدها به قرآن داده شده است و در آغاز محکم و بدون جزء بوده است.

«وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ تَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ» (اعراف: ۵۲-۵۳) و «وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ، وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تا آنجا که می‌فرماید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» (یونس: ۳۷-۳۹) از این آیات، خصوصاً آیه شریفه سوره یونس به خوبی استفاده می‌شود که مسئله تفصیل و جداسازی، امری است که بعدها بر کتاب خدا عارض شده است و قبلاً به این صورت نبوده، پس کتاب یک چیزی است و تفصیل عارض آن هم یک چیز دیگر است.

«حَمَّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ، إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ» (زخرف: ۱-۴) آیه در مقام بیان این است که خداوند قرآن را به لسان عربی قرار داده است، پس در نتیجه این کتاب قبلاً عربی و مبین نبوده است و بعدها خواندنی و عربی شده و در قالب الفاظ برای مردم قابل فهم شده است.

«لَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ، وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ، إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ، فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ، تَنْزِيلُ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (واقعه: ۷۵-۸۰) از ظاهر آیه به خوبی برمی‌آید که قرآن کریم در کتاب مکنون و پنهان از دید بشر قرار داشته، در کتابی که جز پاکان کسی با آن تماس ندارد و همین کتاب مکنون بر حضرت نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶/۲).

علماء دیگری مانند آیت‌الله مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۱۵۰-۱۴۸/۲) آیت‌الله طالقانی (طالقانی، ۱۳۶۲ش: ۱۹۳/۱۴) آیت‌الله جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش: ۳۶۳-۳۵/۱) با نظر علامه طباطبایی همسو هستند.

آیت الله جوادی آملی می‌افزاید: «قرآن کریم کتاب معمولی نیست که اول و آخرش در دسترس انسان باشد؛ بلکه قرآن یک کتاب الهی و دارای مراتب است و در مرحله اعلی، اصل و ریشه قرآن است، حقیقتی نزد خداوند دارد و مرتبه نازلش به صورت لفظ نزد مردم ظهور کرده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۱ ش: ۳۵/۱-۳۶).

۴-۴. ماه مبارک رمضان نوعی

احتمال دیگری که چند تن از اهل سنت به آن متمایل شدند این است که هر سال آن مقدار از قرآن که در آن سال بدان نیازمند بودند، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می‌شد، آن گاه جبرئیل به فرمان خداوند متعال و براساس نیاز، آن را به تدریج فرود می‌آورد؛ بنابراین مقصود از ماه رمضان، رمضان خاصی نیست، بلکه نوع است یعنی وقتی خداوند می‌فرماید قرآن در شب قدر و در ماه مبارک رمضان نازل شده، منظور تمام ماه‌های رمضان و تمام شب‌های قدر هر سال است، نه اینکه مراد یک شب قدر و یا یک ماه رمضان خاص باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۵۰/۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق: ۷۱/۴).

یکی از نقدهایی که به این دیدگاه شده را می‌توان این گونه عنوان کرد که این دیدگاه خلاف ظاهر آیات است؛ چون در آیات، تعبیر «أُنْزِلَ فِيهِ» و «أَنْزَلْنَاهُ» آمده است که حکایت از گذشته دارد. اگر این نظریه صحیح بود، باید افعال را به صورت حال می‌آورد، مثل «نَزْلَهُ» علاوه بر اینکه از طرفی فایده‌ای برای این قسم نزول قبل از نیاز متصور نیست (معرفت، ۱۴۰۰ ش: ۵۸).

۵-۴. نزول قرآن در شأن ماه رمضان یا درباره وجوب روزه

قول دیگر این است که قرآن در شأن ماه رمضان یا درباره وجوب روزه (سیوطی، ۱۴۰۴ ق: ۱۹۰/۱) و یا در فضیلت آن نازل شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۸۵/۵).

نقدهایی به این دیدگاه وارد شده است، مانند اینکه این دیدگاه می‌تواند فقط در مورد آیه ۱۸۵ سوره بقره صادق باشد و گرنه برای آیات دیگر، نزول دفعی مثل آیه ۱ سوره قدر مناسب نیست. از طرفی این قول تأویلی بدون مستند و بی مجوز در لفظ آیه است (معرفت، ۱۴۰۰ ش: ۸۶) طبق این تأویل باید کلماتی مانند فضل یا فرض صیام را در تقدیر بگیریم که این نیز خلاف اصل است و ظاهر آیات ارجحیت دارد.

۴-۶. نزول اکثر آیات در ماه‌های رمضان

وجه دیگر این است که بیشتر آیات در ماه‌های رمضان نازل شده است که نسبت همه آن‌ها به ماه رمضان صحیح است. این وجه نیز از سوی علماء اهل سنت به صورت احتمال مطرح شده است (سید قطب، ۱۴۲۵ق: ۱/۱۷۲) اما احتمال دلیل و مستند از واقع ندارد که گفته شود بیشتر آیات در ماه رمضان بوده، حتی واقعیّت امر خلاف این مطلب را ثابت می‌کند (معرفت، ۱۴۰۰ش: ۸۶).

۵. دیدگاه عدم نزول دفعی قرآن در ماه رمضان

مهم‌ترین نظریه در بین منکران نزول دفعی این است که نزول قرآن در ماه رمضان یعنی آغاز نزول قرآن در این ماه منظور است، یعنی حضرت در روز ۲۷ رجب مبعوث شده است و پس از سه سال تأخیر، در ماه رمضان نزول قرآن آغاز شده است. علاوه بر آن تاریخ‌گذاری براساس سرآغاز پیدایش ملت‌ها و دولت‌هاست؛ چرا که بهترین زمان‌ها شمرده می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۵/۸۵) مهم‌ترین قائلان این نظریه، آیت الله معرفت، (معرفت، ۱۴۱۰ش: ۱/۱۱۲) ابوالفتوح جرجانی، (جرجانی، ۱۳۶۲ش: ۱/۲۶۴) محمد عبده، (رضا، ۱۴۱۴ق: ۱/۱۶۱) زمخشری (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/۲۲۷) و ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶م: ۱۵۰) هستند.

دانشمندان و قائلان این دیدگاه به وسیله ادله‌ای، دیدگاه نزول دفعی قرآن را نقد کرده‌اند. این ادله عبارتند از:

الف) آنچه شیخ صدوق از بررسی احادیث فهمیده، نه موجب علم است و نه موجب حجّیت تعبّده می‌شود؛ زیرا تعبّد در عمل است، نه در عقیده و درک. چون می‌توانیم ادعا کنیم احادیثی که ذکر شده است خلاف بعضی از آیات و بعضی احادیث است، بعضی آیات از حوادثی خبر می‌دهند که نسبت به اولین شب قدر، آینده دور محسوب می‌شود و اگر نزول قرآن در شب قدر، اولین شب قدر بوده باشد، پس به طور قطع، باید آیه به صورت مستقبل - آینده دور - بیاید؛ از طرف دیگر، اگر قرآن در ماه رمضان به صورت یک‌باره نازل شده است، به این معناست: حوادثی که هنوز رخ نداده را قرآن از آن خبر دهد و این کار دور از فهم مردم است، مانند آیه (مجادله: ۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۲۴).

ب) آیات قرآن کریم دارای ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص، مبهم و مبین هستند، و لازمه تمامی این آیات، فاصله زمانی است. به این معنا که ابتداء باید آیات ناسخ، عام، مطلق، مبهم بیاید و بعد از یک فاصله زمانی، آیات منسوخ، خاص، مقید و مبین نازل گردد. از این رو عقلانی نیست که آیات قرآن کریم یکجا نازل گردد (معرفت، ۱۴۰۰ش: ۹۱).

ج) نزول یکباره قرآن به آسمان که قائلین به نزول دفعی بیان می کنند، چه سودی برای هدایت مردم دارد و چه فایده ای برای شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته است؟ این کار هیچ ثمره عملی ندارد (معرفت، ۱۳۸۲ش: ۴۰).

د) مهم ترین دلیل قائلان به وجود نزول دفعی، روایاتی در امالی، کافی، تفسیر قمی و تفسیر عیاشی از شیعه و روایاتی از ابن عباس و سعید بن جبیر از اهل سنت است. اما روایتی که در امالی ذکر شده، در توثیق کسانی که در سند روایت هستند محل نظر و اشکال است، مانند «احمد بن محمد بن یحیی العطار قمی» که شیخ طوسی آن را در «باب من لم یرو عن واحد من الائمة» آورده است (طوسی، ۱۳۷۳ش: ۴۱۰) و در بیشتر کتب رجال، جرح و تعدیلی برای آن نیامده و معجم رجال حدیث آن را مجهول خوانده است (خویی، ۱۴۱۳ق: ۱۲۱/۳). همین طور «قاسم بن محمد اصفهانی» نیز در توثیقش اختلاف است، بعضی می گویند چون از مشایخ ابراهیم بن هاشم بوده و دارای کثرت نقل است معتبر است، اما بعضی گفته اند که گاهی می توان حدیث آن را قبول و گاهی باید حدیث آن را رد کرد و از طرفی شیخ طوسی آن را در باب «من لم یرو عن واحد من الائمة» آورده که روایتی از معصوم ندارد (طوسی، ۱۴۱۳ق: ۴۳۶).

در روایت کافی نیز «قاسم بن محمد اصفهانی» وجود دارد و همان طور که گفته شد تصریح به وثاقت آن نشده و طبق کتاب رجال طوسی روایتی از معصوم ندارد؛ و علاوه بر این در کتاب مرآة العقول، این روایت ضعیف دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۵۱۸/۱۲). روایاتی که در تفسیر قمی و عیاشی آمده هم بیشتر آن ها بدون سند کامل ذکر شده و به اصطلاح مرسل است که طبق نظر متأخرین، این نوع روایات ضعیف به حساب می آیند و از طرفی طبق رتبه بندی که از طرف مؤسسه دارالحدیث شکل گرفته، اعتبار این دو تفسیر

بعد از کتب احادیث معتبر است و در اولویت نیست؛ چون بعضی از احادیث، اجتهاد خود صاحب کتاب است و این غیر از احادیث منقول از معصوم است. اما روایات اهل سنت نیز بیشتر آن از ابن عباس نقل شده است، بدون اینکه به معصوم، حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برسد. در اصطلاح به این گونه احادیث، حدیث موقوف می گویند که حداقل برای شیعه این نوع احادیث معتبر نیست و از طرفی نزول قرآن جزء اخبار غیبی بوده، چطور ابن عباس از آن خبر داشته است؟! پس طبق تحقیق در اسناد گفته بعضی از علماء مبنی بر اینکه روایات خبر واحدی است که موجب علم و عمل نمی شود را می توان قبول کرد.

البته نقدهایی هم به دیدگاه عدم نزول دفعی قرآن، از طرف قائلان به وجود نزول دفعی شده است. مانند:

(الف) این تأویل خلاف ظاهر آیات قرآن است؛ چون در آیات نزول دفعی مانند آیه اول سوره قدر، منظور مجموع قرآن است و مراد بخشی از آن و یا شروع نزول آن نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۷۱/۱).

(ب) اگر آغاز نزول قرآن در ماه رمضان باشد، باید آغاز نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در همین روز باشد؛ درحالی که امامیه اتفاق نظر دارند، حضرت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در ۲۷ رجب مبعوث شدند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش: ۷۲/۱).

(ج) در هیچ کدام از آیات قرآن، تعبیری مانند «إِنَّا بَدَأْنَا أَنْزَالَ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وجود ندارد و حمل آیه بنابر تقدیر خلاف ظاهر است؛ و از طرفی دلیل معتبر بر ارتکاب خلاف ظاهر وجود ندارد، حتی شواهد تاریخی نشان می دهد که آغاز نزول تدریجی در ۲۷ رجب اتفاق افتاده است.

۱-۵. افتراق در بین دیدگاه های فریقین

وجه اول: کسانی که قائل هستند قرآن به یکباره به آسمان نازل شده است، در شیعه طبق روایات و ادله، معتقدند قرآن به آسمان چهارم و در بیت المعمور نازل شده است و اهل سنت طبق روایاتشان می گویند قرآن به آسمان اول و در بیت العزه نازل شده است. وجه دوم: اهل سنت برای اینکه بتوانند دیدگاه جدیدی ارائه کنند، بیشتر به توجیهات

مختلف روی آورده‌اند، برخلاف شیعه که بیشتر آن‌ها به دو قول مشهور روی آوردند، مانند اینکه بعضی از اهل سنت می‌گویند منظور از آیات نزول دفعی، وجوب صیام است، یا این آیات در شأن ماه رمضان است، یا بیشتر آیات در این ماه نازل شده است که کمتر عالم شیعی به این نظرات روی آورده است. لذا بیشتر علماء شیعه بر دو قول مشهور متمرکز هستند.

وجه سوم: برخی از دیدگاه‌ها را فقط علماء شیعه مطرح کرده‌اند و بعضی از دیدگاه‌ها نیز فقط مختص به اهل سنت است و از طریق آن‌ها مطرح شده است و قائلی از سوی شیعه ندارد: - نظریه نزول دفعی قرآن بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فقط شیعه آن را گفته، مانند فیض کاشانی و ابو عبدالله زنجانی؛

- نظریه نزول بیشتر آیات در ماه رمضان که سید قطب مطرح کرده است در حالی که عالم شیعه‌ای این دیدگاه را مطرح نکرده است.

حال بعد از بیان افتراقات بین دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت، از دید آمار و جدول، دیدگاه‌های فریقین برای مشخص کردن بهتر نظرات از طریق نمودار نشان داده می‌شود. البته شایان ذکر است، این آمار براساس تحقیق محقق پس از جمع‌آوری اقوال و نظرات به‌دست آمده است.

نتیجه‌گیری

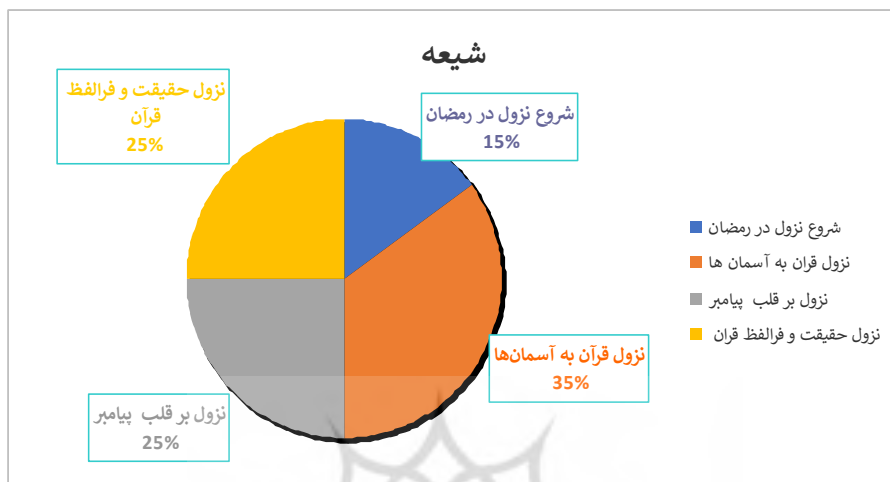
به‌طور خلاصه قائلان دیدگاه وجود نزول دفعی قرآن، از این نزول چند تفسیر داشتند؛ اولین تفسیر این دیدگاه، نزول دفعی قرآن در شب قدر به بیت‌العزه و یا بیت‌العمور است که عمده دلیل این تفسیر، روایاتی است که در منابع مختلف وجود دارد. به این تفسیر نقدهایی هم وارد شده، مانند اینکه چنین نزولی سودی برای هدایت مردم ندارد و یا روایات، موجب علم عمل نمی‌شود. برخی مانند فیض کاشانی بیت‌المعمور را به قلب پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر کردند و برخی بر این عقیده‌اند که هرآنچه نیاز یکسال مردم است، در ماه رمضان هر سال نازل می‌شده و برخی آن را این‌گونه تفسیر کردند که بیشتر آیات در ماه مبارک رمضان نازل شده است؛ اما یکی از مشهورترین تفاسیر که در دوره معاصر طرفداران زیادی داشته این است که قرآن یک حقیقت فرالفظی و فرامفهومی دارد که اجمالاً بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است، ولی این حقیقت برای عموم مردم قابل فهم نیست و این جدای از قرآن در قالب لفظ می‌باشد و فایده آن این است که این قرآن به لفظی بین مردم آمده که مردم را به آن حقیقت قرآن که نزد خداوند است، برساند و برای این دیدگاه مؤیدات زیادی را از قرآن ذکر می‌کنند. مانند (هود: ۱) و (یونس: ۳۷ - ۳۹). ترجیح دیدگاه این است که این روش قرآن به قرآن است و سعی شده از خود قرآن به نتیجه برسد، برخلاف دیدگاه نخست، دیدگاهی مبنی بر عدم وجود نزول دفعی قرآن وجود دارد که مشهورترین تفسیر در این دیدگاه این است که منظور از آیات نزول دفعی، آغاز نزول قرآن است و از شب قدر تدریجاً قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده، که البته نقدهایی هم به این تفسیر وارد شده است، مانند اینکه این تأویل خلاف ظاهر قرآن است. در میان دیدگاه‌های فریقین نیز افتراقاتی وجود دارد، مانند نزول به بیت‌المعمور از شیعه و نزول به بیت‌العزه از اهل سنت، طبق نزول دفعی. در میان اهل سنت به نظریات بیشتری رو آورده‌اند، برخلاف شیعه که اکثر دیدگاه آن‌ها دو دیدگاه مشهور بین مفسرین است. در مجموع از میان همه دیدگاه‌ها و ادله‌های ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید که قرآن دو وجود دارد: یک، وجود لفظی است که به دست مردم رسیده و قابل فهم برای مردم است؛ دوم، یک وجود فرالفظی دارد و حقیقتی که در نزد خداوند است؛ این وجود لفظی مظهر آن وجود فرالفظی است. این

وجود فرالفظی است که در شب قدر ماه مبارک رمضان نازل شده است و مظهر لفظی آن تدریجاً به مدت چندین سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده است. این دیدگاه با آیات دیگر هم قابل جمع است و می‌توان با عنوان نظریه صواب آن را در نظر گرفت.

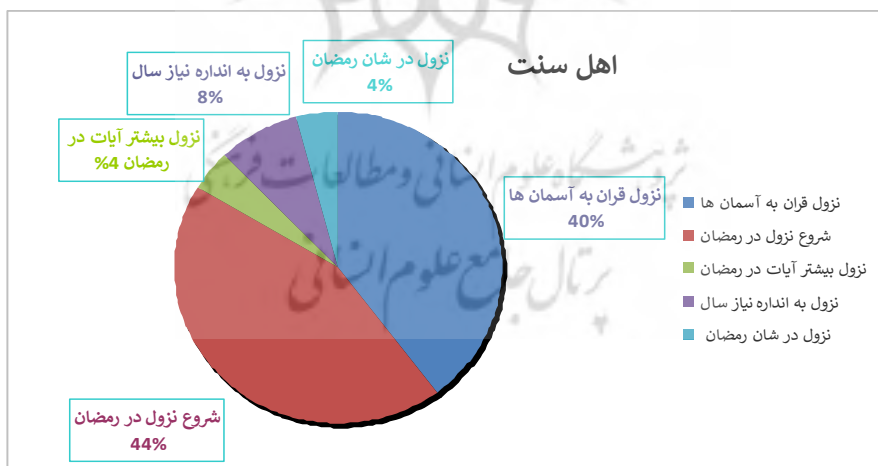
جدول دیدگاه‌های فریقین در مورد نزول دفعی قرآن

اهل سنت	شیعه	کیفیت نزول
ابن جریر طبری - ابراهیم ثعلبی نیشابوری - محمد میبدی - سیوطی - زرکشی - ملاحویش آل غازی - احمد سمرقندی - ابن کثیر - محمد عبدالعظیم الزرقانی	شیخ صدوق - علی ابن ابراهیم - ابو الفتوح رازی - علامه مجلسی - محمد جواد بلاغی - عیاشی - ملافتح الله کاشانی	نزول دفعی به آسمان‌ها
زمخشری - محمد عبده - عبدالله بن عمر بیضاوی - مصطفی مراغی - عبدالکریم خطیب - ابن عاشور - سید محمد طنطاوی - محمد علی صابونی - محمد بن ابوالحسن نیشابوری - محمد محمود حجازی	آیت الله معرفت - ابوالفتوح جرجانی - ابن شهر آشوب -	شروع نزول قرآن در ماه رمضان
فخر رازی	—	نزول دفعی در شأن ماه رمضان
مقاتل بن سلیمان - فخر رازی	—	نزول قرآن به اندازه نیاز سال
—	ملافیض کاشانی - ابوعبدالله زنجانی - محسن قرائتی - سید عبدالحسین طیب - سید محمد تقی مدرس	نزول دفعی در قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
—	علامه طباطبایی - آیت الله جوادی - آیت الله مکارم شیرازی - آیت الله طالقانی - سید علی اکبر قرشی	نزول فرالفظی قرآن
سید قطب	—	نزول بیشتر آیات قرآن در ماه رمضان

نمودار شماره (۱): آمار اقوال شیعه



نمودار شماره (۲): آمار اقوال اهل سنت



منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش)، *مالی*، تهران: کتابچی، ششم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی تا)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر.
۳. ابوزهره، محمد، (۱۳۷۹ش)، *معجزة بزرگ*، به کوشش: محمود ذبیحی، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *معجم رجال الحديث*، بی جا، بی نا، پنجم.
۵. رادمنش، محمد، (۱۳۷۴ش)، *آشنایی با علوم قرآنی*، تهران: جامی.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، به کوشش: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه.
۷. رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ق)، *تفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفه؛
۸. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *الکشاف*، به کوشش: مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتاب، سوم.
۹. زنجانی، ابو عبدالله، (۱۴۰۴ق)، *تاریخ القرآن*، تهران: منظمة الإعلام الإسلامی.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، به کوشش: فواز احمد زمرلی، بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*، محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم‌الکتب.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، سوم.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳ش)، *رجال الطوسی*، به کوشش: جواد قیومی اصفهانی، قم: جماعة المدرسین، سوم.
۱۵. عطار، داود، (۱۴۱۵ق)، *موجز علوم القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. علاف، ادیب، ۱۴۲۰ق، *البیان فی علوم القرآن*، دمشق: دار الفارابی للمعارف.
۱۷. علم الهدی، علی بن الحسین، (۱۴۳۱ق)، *نفائس التأویل*، مجتبی احمد موسوی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، به کوشش: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *مفاتيح الغیب*، بیروت: دار إحياء التراث العربي، سوم.
۲۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، دوم.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ش)، *تفسیر القمی*، به کوشش: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، سوم.
۲۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، (۱۳۰۰ش)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
۲۳. کاظمی، عبدالنبی، (۱۴۲۵ق)، *تکملة الرجال*، محمد صادق بحر العلوم، قم: انوار الهدی.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحديث.
۲۵. محدث خراسانی، علی، (۱۳۷۲ش)، *خورشید تابان در علم قرآن*، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول*، به کوشش: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، دوم.
۲۷. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۸ش)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: التمهید.
۲۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۲ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
۲۹. معرفت، محمد هادی، (۱۴۰۰ش)، *تلخیص التمهید*، به کوشش: مجتبی خطاط، قم: موسسه فرهنگی التمهید.
۳۰. مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، به کوشش: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مهنا، عبدالله علی، (۱۴۱۳ق)، *لسان اللسان*، به کوشش: عبدالله علی مهنا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، *رجال*، موسی شبیری زنجانی، قم: جماعة المدرسین، ششم.